info@payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۴-۲۵
سه‌شنبه / ۲۱ فروردین / ۱۴۰۳
۲۹ / رمضان / ۱۴۴۵
09 / April / 2024
صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود خیبری سردبیر: باقره خیبری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۲۸۲۸-۳۲۵۴۴۲۴۳-۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

به فِتراک ار همی‌بندی خدا را زود صیدم کن
کـه آفت‌هاسـت در تـأخیر و طالب را زیان دارد
ز سروِ قدِّ دلجویت مکن محروم چشمم را
بدین سرچشمه‌اش بنشان که خوش آبی روان دارد

عید آمد و عید آمد و آن بخت‌سعید آمد
برگیر و دهل می‌زن، کان ماه پدید آمد
مولانا

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۱	۰۵:۳۹	۱۲:۰۸	۱۸:۳۵	۱۸:۵۴

هیچ کس نمی‌تواند به تنهایی از زیبایی‌ای که درک می‌کند لذت ببرد...
جبران خلیل جبران

اشاره

راز آن حضور استثنایی

آن روز ساعت نه‌ونیم صبح هنگامی که دوستداران سیدمرتضی آوینی در حیاط حوزه هنری جمع شده بودند تا با او وداع و پیکر او را تشییع کنند، ناگهان شرایط تغییر کرد و رهبر انقلاب اسلامی را در میان خود دیدند که به سمت تابوت آوینی رفت و با قرائت فاتحه به روح این هنرمند شهید ادای احترام کرد. این اتفاق تا آنجا که یادم می‌آید برای کسی دیگر تکرار نشد. اما معنای این حرکت رهبر عزیز انقلاب چه بود و چه باعث شده بود آن روز صبح به تیم همراه خود بگوید «من امروز باید حتماً در این مراسم شرکت کنم».

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، به نظرم مراسم تشییع شهید آوینی در روز ۲۲ فروردین یکی از استثنایی‌ترین مراسم‌ها پس از فقدان هنرمندان و اهالی فرهنگ پس از انقلاب اسلامی است. آن روز ساعت نه‌ونیم صبح هنگامی که دوستداران سیدمرتضی آوینی در حیاط حوزه هنری جمع شده بودند تا با او وداع و پیکر او را تشییع کنند، ناگهان شرایط تغییر کرد و رهبر انقلاب اسلامی را در میان خود دیدند که به سمت تابوت آوینی رفت و با قرائت فاتحه به روح این هنرمند شهید ادای احترام کرد. این اتفاق تا آنجا که یادم می‌آید برای کسی دیگر تکرار نشد. اما معنای این حرکت رهبر عزیز انقلاب چه بود و چه باعث شده بود آن روز صبح به تیم همراه خود بگوید «من امروز باید حتماً در این مراسم شرکت کنم».

شاید رمز و راز این حضور استثنایی را بتوان در یادکردهای مکرر آقا از شهید آوینی در مناسبت‌های مختلف جست‌وجو کرد. آنجاها که ایشان از آوینی در کنار کسانی چون چمران، حججی و حتی سردار سلیمانی نام می‌برد و آن‌ها را «الگو» و «قهرمان» نسل‌های بعدی نام می‌نهند:

- ما برای تربیت نسل جوان منطبق بر اهداف و آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های نظام اسلامی دچار فقر الگو نیستیم که سراغ فلان شخصیت تاریخی بیگانه برویم، بلکه الگوهای بزرگی همچون شهدای هسته‌ای، شهید چمران، شهید آوینی و شهید حججی داریم که با احساس مسئولیت و با قدرت و عزت و برای افتخار و سربلندی ملت، در مقابل دشمن ایستادند.

- ما در هرجایی که کار انقلابی کردیم این [الگوها] را داریم ببینید کاری که شهدای هسته‌ای ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حساس است پیشاهنگش بودند. کاری که شهید طهرانی‌مقدم پیشاهنگش بود. کاری که شهید کاظمی در زمینه سلول‌های بنیادی پیشاهنگش بود. کارهای بسیار بزرگی است در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] مرحوم سلحشور - که این‌ها پیشروان کار انقلابی در این کشورند- این‌ها را باید ترویج کرد. این‌ها را باید تقدیر کرد و نام این‌ها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار می‌کنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به‌خاطر این است. کار وقتی با روحیهٔ انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.

- این تعبیرها و یادکردهای مکرر و تأکید بر کلیدواژهٔ «الگو» برای تربیت نسل جوان، نکته‌ای است که همین امروز هم شاید با شدتی بیشتر نیاز به مرور و تأمل دارد. ضمن اینکه در تعبیر رهبر انقلاب بر وجه «پیشاهنگ» این حرکت‌ها و اقدامات علمی و فناوری و فرهنگی و هنری بودن هم اصرار شده است تا معلوم شود این وجه بنیانگذار این حرکت‌ها بودن خود یک ارزش جداگانه و برتر است. ارزشی که جای خالی آن در بسیاری از حرکت‌های بعدی هم محسوس است:

- من حالا این را می‌خواهم عرض بکنم - که این هم یک مطالبه جدی و یک آرزوست. ان‌شاءالله این آرزو برآورده بشود- کاش کسانی بتوانند مثل شهید آوینی این جهاد عظیم و عمومی [در ماجرای کرونا] را روایت کنند؛ همچنان که شهید آوینی با آن بیان شیرین و زیبا و اثرگذار خودش توانست جزئیات جبهه را برای ما روایت بکند و آن را ماندگار بکند. کاش کسانی بتوانند این کار را بکنند؛ هم در گفتار و هم در نوشتار و هم در کارهای هنری و نمایش‌ها و پدیده‌های هنری.

یک ارزشگذاری دیگر در کارهای آوینی آن است که او خود به آنچه می‌گفت اعتقاد داشت:

- گاهی حرفی را کسی می‌زند و حرف بزرگی است؛ اما پیداست که خودش اعتقادی به این حرف ندارد. اما این صدا، آن صدایی است که بزرگ‌ترین حرف‌ها را می‌زد و خودش اعتقاد داشت. مثلاً می‌گفت: «این جوانان ما به راه‌های آسمان آشناترند تا به راه‌های زمین» این را جدی می‌گفت که گویا راه‌های آسمان را خودش رفته، دیده و می‌داند که این‌ها آشناتر هستند!

آوینی از «کافران» بودن تا «سید شهیدان اهل قلم» شدن راه زیادی را پیمود و تغییرات زیادی کرد؛ اما نه تغییر مانند سوپرانقلابی‌های سابقی که امروز به ارتجاع و انحطاط و ابتذال حقیرانه افتاده‌اند که حتی مخالفان را هم به تعجب واداشته است. او برعکس و به تعبیر قرآن از «ظلمات» به «نور» در صیرورت بود. او حتی مانند کسانی نشد که خوب شدند اما در همین حد که به نماز و روزه و عبادات خود برسند و کاری به کار سیاست و دشمن نداشته باشند. او هم در جبههٔ نظامی قدم گذاشت و هم در جبههٔ فرهنگی قلم، هم علیه بعث عراق نوشت، هم علیه شیطان بزرگ و دشمن صهیونیستی.

- انقلاب اسلامی به عنوان یگانه مظهر حق در جهان امروز، تنها در نبرد رودررو با باطل است که به تمامیت می‌رسد و اینچنین، رودررویی ما با امریکا به عنوان مظهر بزرگ شیطان، اجتناب‌ناپذیر و حتمی است.

- چگونه می‌توان هویت فلسطین را تغییر داد، در حالی که اشغال فلسطین واقعه‌ای مربوط به هزاره‌های دور نیست که کسی آن را به یاد نیاورد؛ همه به یاد دارند که این قوم پلید [صهیونیست‌ها] چگونه با حمایت سیاسی و تسلیحاتی امپریالیست‌های تجاوزگر، سرزمین فلسطین را از صاحبان اصلی آن غصب کرده‌اند.

- آیا فلسطینیان یک‌بار دیگر به سرزمین خویش باز خواهند گشت؟ آتش این امید نه تنها در دل‌ها فرونشسته است بلکه هر چه می‌گذرد شدت و حرارت بیشتری می‌یابد.

نکته مهم آخر هم اینکه آوینی در دفاع از انقلاب اسلامی، در حمایت از امام خمینی و رهبری و آرمان‌های آن، دچار هیچ‌گونه خودسانسوری و خجالت و رودربایستی و ترس نشد. محکم ایستاد و هزینه این ایستادن را هم روز به روز به روزنامه‌های سوپرانقلابی‌های وقت پرداخت، چیزی که امروز خیلی از مؤمنان به انقلاب و نظام در میانه بمباران تبلیغاتی دشمن و فضاسازی‌های گسترده رسانه‌ای به آن احتیاج دارند.

تقی دژاکام

گزارش روز

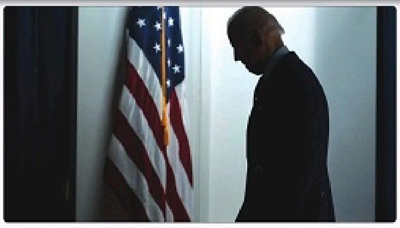

نقشی که بر آب شد

شکستی که آمریکا و متحدانش در جبهه سیاسی و بین‌المللی از طوفان‌الاقصی خورده‌اند به اندازه درماندگی نظامی رژیم صهیونیستی در باتلاق غزه مهم است. تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آنها می‌خواستند نظم جدیدی با حفظ نقش محوری خود در جهان ایجاد کنند. پس از ۷ اکتبر همه چیز تغییر کرد. البته آمریکا و متحدانش اکنون نیز در حال ایجاد نظمی جدید در جهان هستند با این تفاوت که به ازای هر روز ادامه جنگ غزه و حمایت از اسرائیل نقش خود را در جهان آینده کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از کیهان، اندکی پس از عملیات طوفان‌الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ «ولودیمیر زلنسکی» در محکومیت عملیات مقاومت فلسطین و برای حمایت از رژیم صهیونیستی گفت: «این عملیات مرا به یاد روزهای اولیه جنگ تمام‌عیار مسکو علیه کی‌یف می‌اندازد». چنین تشبیه‌سازی احمقانه‌ای میان اوکراین و اسرائیل فقط از رئیس‌جمهور نادان اوکراین برمی‌آمد. مسلماً اگر امروز در مورد شباهت اوکراین و اسرائیل از زلنسکی سؤال شود، او ترجیح می‌دهد این سؤال را بی‌پاسخ بگذارد و در مورد موضوع دیگری صحبت کند. چون هیچ‌کس دوست ندارد به رژیم جنایتکاری که مشغول نسل‌کشی در غزه است تشبیه شود. احمقانه‌تر از این اقدام زلنسکی، تکرار همین تشبیه در سخنرانی ماه اکتبر «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا برای دریافت بودجه از کنگره در حمایت از اسرائیل بود. حالا کار به جایی رسیده که «فیونا هیل»، مسئول سابق وزارت امور خارجه آمریکا و کارشناس امور روسیه سیاستی که بایدن در سخنرانی خود با تشبیه شرایط رژیم صهیونیستی به شرایط اوکراین در پیش گرفته بود را تصمیمی نادرست ارزیابی کند.

اما شاید این تشبیه در همان روزهای اولیه این‌قدر احمقانه به نظر نمی‌رسید. در واقع پشت این تشبیه محاسبه‌ای ساده وجود داشت. آمریکا پیش‌بینی می‌کرد می‌تواند با آن یک اجماع همگانی در حمایت از رژیم صهیونیستی علیه مقاومت فلسطین شکل دهد، درست شبیه کاری که در موضوع اوکراین علیه روسیه انجام دادند. آمریکا مغرور از اجماع‌سازی علیه روسیه فکر می‌کرد در احیای نظم آمریکایی جهان تا حدودی موفق شده است. آنها توانسته بودند ۱۴۰ کشور را در مجمع عمومی سازمان ملل برای محکومیت حمله روسیه به اوکراین با خود همراه کنند؛ و همین تصور را برای حمایت از اسرائیل در فکر خود می‌پروراندند.

این فقط صبر بی‌نظیر و استقامت مثال‌زدنی مردم مظلوم غزه بود که ورق را برگرداند و محاسبات ایالات متحده را به هم ریخت. ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ (۲۲ آذر ۱۴۰۲) در مجمع عمومی سازمان ملل، آمریکا فقط توانست ۸ کشور را با خود در حمایت از اسرائیل همراه کند. کشورهایی مثل میکرونزی، نائورو و پاپوآ! زمانی «مادلین آلبرایت» وزیر خارجه سابق آمریکا در دولت کلینتون می‌گفت، نمی‌توان از نقش آمریکا در تصمیمات بین‌المللی چشم پوشید. اما رأی‌گیری ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ مجمع عمومی سازمان ملل ثابت کرد آن دوران تقریباً به پایان رسیده است.

تشبیه اسرائیل به اوکراین یک ضربه سخت دیگر هم برای آمریکا و متحدانش به همراه داشت. ضربه‌ای که نقشی از افشای استانداردهای دوگانه آنها در مواجهه با موضوعات واحد بود. درحالی که آمریکا و متحدانش قصد داشتند تا با این تشبیه و یادآوری شرایط اوکراین در برابر تهاجم روسیه سایر کشورهای جهان را به همدردی و حمایت از اسرائیل تشویق کنند اما همه چیز برخلاف خواست آنها رقم خورد و مردم جهان به همدردی با فلسطین پرداختند. نشریه انگلیسی تایم با انتقاد از قیاس اشتباه مقامات آمریکایی نوشت: «روسیه به اوکراین حمله و آن را اشغال کرد؛ اما در عملیات ۷ اکتبر حماس، این فلسطینی‌ها هستند که برای دهه‌ها تحت اشغال اسرائیل زندگی می‌کنند». حالا با تبدیل فلسطین به موضوع اصلی اخبار جهان و پیوند آن به جنگ اوکراین توسط مقامات واشنگتن، آنها برخلاف انتظارشان و علی‌رغم میل باطنی‌شان باید به این سؤال پاسخ می‌دادند که چرا آمریکا و متحدانش مانند اوکراین از حق فلسطینیان در برابر اشغالگری اسرائیل دفاع نمی‌کنند؟

«پاتریک وینتور» سردبیر دیپلماتیک «گاردین» با اشاره به عواقب استانداردهای دوگانه آمریکا در مواجهه با قضیه فلسطین نوشت: «ریاکاری آشکار آمریکا در مورد اسرائیل و روسیه می‌تواند به قیمت از دست رفتن اعتبار جهانی این کشور تمام شود». علاوه بر این روزنامه‌نگار انگلیسی، دیپلمات‌های غربی نیز به فایننشال تایمز گفتند: «واکنش غربی‌ها به عملیات هفتم اکتبر [طوفان‌الاقصی] ما همه تلاش غرب برای ترسیم کردن روسیه به عنوان یک کشور مطرود در سطح جهان با ادعای نقض قوانین بین‌المللی را خنثی کرده و حالا خود آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدان‌شان [به دلیل مواضعی که در حمایت از اسرائیل اتخاذ کردند] متهم به ریاکاری شده‌اند».

برای نشان دادن ریاکاری آشکار آمریکا و متحدانش در موضوع فلسطین می‌توان مصادیق بسیاری را فهرست کرد. تازه‌ترین نمونه آن نامه اخیر نمایندگان مجلس آمریکا برای توقف ارسال سلاح به اسرائیل است. ۴۰ نماینده دموکرات مجلس آمریکا در نامه‌ای به بایدن و بلینکن در واکنش به کشته‌شدن ۷ امدادگر خارجی توسط رژیم صهیونیستی، خواستار توقف انتقال سلاح به اسرائیل شدند. این در حالی است که نزدیک به ۳۳ هزار نفر غیرنظامی فلسطینی از ابتدای حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه، به شهادت رسیده‌اند. کشتاری که با حمایت کامل آمریکا و با تسلیحات عمدتاً آمریکایی انجام شده اما در تمام این مدت هیچ خبری از چنین نامه‌ای برای متوقف کردن ارسال سلاح به اسرائیل نبود. ظاهراً در منطق مضحک آمریکایی، امدادگران نباید کشته شوند اما ملعی برای مرگ هزاران امدادجو نیست. البته که اگر امدادگران هم شهروند کشورهای غربی نبودند، هرگز چنین نامه‌ای نوشته نمی‌شد.

طبق گزارش واشنگتن‌پست از زمان حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه بیش از ۱۰۰ محموله نظامی بی‌سروصدا از آمریکا به اسرائیل ارسال شده است. این محموله‌ها شامل مهمات، تفنگ، گلوله‌های توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری، بمب‌های هوا به زمین «سقوط آزاد» (غیر هدایت‌شونده)، مهمات هدایت‌شونده و موشک برای نفوذ به پناهگاه‌های زیرزمینی و... بود. به گفته کارشناسان اسرائیل در غزه اغلب از بمب‌های ۹۰۰ کیلوگرمی MK۸۴ استفاده می‌کند که به قدرت تخریب بالا معروف است. آمریکا بسیاری از این تسلیحات را از زرادخانه‌های خود در اروپا به اسرائیل می‌رساند. طبق اعلام رسانه‌های اسرائیلی از ۷ اکتبر تاکنون حدود ۳۵ هزار تن سلاح و مهمات توسط بیش از ۳۰۰ هواپیما و حدود ۵۰ کشتی به اسرائیل منتقل شده است. بنا بر گزارشی، آمریکا علاوه بر فروش جنگنده‌های F۳۵ و قطعات آن، ۱۸۰۰ فروند بمب MK۸۴ و ۵۰۰ فروند بمب MK۸۲ را به اسرائیل تحویل داده است. ارزش این تسلیحات چیزی حدود ۱۸ میلیارد دلار عنوان شده است. بمب MK۸۴ همان بمبی است که بیمارستان المعمدانی در نوار غزه با آن هدف قرار داده شد. «جرمی کونیندیک»، یکی از مقامات ارشد سابق در دولت بایدن و رئیس فعلی سازمان بین‌المللی پناهندگان درباره تسلیحات ارسالی واشنگتن به تل‌آویو، به واشنگتن‌پست گفت: «این میزان فروش فوق‌العاده [تسلیحات] در مدت زمانی بسیار کوتاه، کاملاً نشان می‌دهد که عملیات اسرائیل بدون این سطح از حمایت ایالات متحده دوام نخواهد آورد».

علی‌رغم این حجم از کشتار و جنایت توسط رژیم صهیونیستی اما وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده نیازی به آغاز هیچ‌گونه بررسی رسمی در مورد اینکه آیا رژیم صهیونیستی مرتکب جنایات جنگی شده است یا خیر، نمی‌بیند. آمریکا نه تنها با وجود کشته‌شدن حدود ۳۳ هزار غیرنظامی در غزه ارسال تسلیحات به اسرائیل را متوقف نکرد بلکه قطعنامه‌های «آتش‌بس» و یا حتی «وقفه بشردوستانه» در شورای امنیت سازمان ملل را نیز وتو می‌کرد. موضوعی که باعث خشم کشورهای جنوب جهان (کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته) شد. یک دیپلمات آفریقایی درباره این اقدامات آمریکا به رویترز گفت: «آنها اعتبار خود را با این وتو از دست دادند. چون چیزی که برای اوکراین خوب است برای فلسطین خوب نیست. این وتو به ما گفت که زندگی اوکراینی‌ها ارزشمندتر از زندگی فلسطینی‌ها است».

خون شهدای غزه و صبر مردم مظلوم آن، از این زاویه کاملاً به ثمر نشسته است. آمریکا و متحدانش امروز در موضوع فلسطین منزوی‌تر از همیشه هستند و با یک رسوایی آشکار در به کارگیری استانداردهای دوگانه مواجه‌اند. وضعیتی که حتی «دانیل لوی»، مدیر برنامه خاورمیانه‌وشمال آفریقای شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا و مشاور سابق دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز به آن اعتراف کرد: «فضای جامعه در بسیاری از کشورهای جنوب (کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته) و یا حتی کشورهای غربی به طور تمام‌دربه‌یک فضای شورش علیه ریاکاری غرب، نظم غیرقابل قبول جهانی و نظم پسااستعماری تبدیل شده است».

شکستی که آمریکا و متحدانش در جبهه سیاسی و بین‌المللی از طوفان‌الاقصی خورده‌اند به اندازه درماندگی نظامی رژیم صهیونیستی در باتلاق غزه مهم است. تا پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آنها می‌خواستند نظم جدیدی با حفظ نقش محوری خود در جهان ایجاد کنند. پس از ۷ اکتبر همه چیز تغییر کرد. البته آمریکا و متحدانش اکنون نیز در حال ایجاد نظمی جدید در جهان هستند با این تفاوت که به ازای هر روز ادامه جنگ غزه و حمایت از اسرائیل نقش خود را در جهان آینده کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌کنند.

یک دیپلمات ارشد از اعضای گروه هفت (هفت کشور صنعتی جهان G۷) با اشاره به حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه و رویکرد دوگانه غرب در حمایت از اوکراین و عدم حمایت از فلسطین، به فایننشال تایمز گفت: «ما قطعاً نبرد در حوزه جهان جنوب (کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته) را باخته‌ایم. تمامی تعاملاتی که بر سر اوکراین با بلوک جهان جنوب انجام داده بودیم نقش بر آب شد. دیگر قوانین و نظم جهانی را فراموش کنید. آن‌ها دیگر حتی حاضر نیستند به حرف ما گوش دهند».

سیدمحمدعماد اعرابی

مکث

چرا ایران برای انتقام از رژیم صهیونیستی عجله نکرده است؟

ورای بحث‌هایی که درباره نوع پاسخ و زمان آن می‌شود به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران سعی دارد به طور هوشمندانه از فرصت انتقام از رژیم صهیونیستی استفاده کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جهان نیوز، پس از حمله تل‌آویو به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق منطقه و جهان و به‌ویژه آمریکا و اسرائیل منتظر اقدام انتقام‌جویانه ایران هستند.

بحث‌های مانند «صبر استراتژیک» و «انتقام سخت» در محافل خبری و شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است و حتی سبب ایجاد یک دوقطبی در خصوص نحوه واکنش ایران شده است. رسانه‌های غربی نیز در این راستا گزینه‌های مختلفی را مورد بررسی قرار داده‌اند و استفاده از موشک‌های دوربرد و پهپادهای پیشرفته کشورمان را در این زمینه محتمل دانسته‌اند. اما ورای همه این بحث‌ها و گمانه‌زنی‌ها به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران از این فرصت قصد دارد به طور هوشمندانه بهره‌برداری کند.

چندین عامل وجود دارد که ایران در این راستا چندان عجله‌ای نداشته باشد. اول اینکه اسرائیل خود را برای این اقدام آماده کرده است و این آماده‌باش نظامی و حالت تدافعی می‌تواند برای اسرائیل هزینه‌بر و کاهنده انرژی باشد.

قطعاً کشورمان در بعد غافلگیری می‌تواند تا زمان مناسب صبر کند و نیازی به اقدام عجولانه نیست. چه اینکه وضعیت تل‌آویو نیز به خوبی از موج اعتراضات و اصطکاک داخلی حکایت دارد تا جایی که اخیراً برخورد معترضان سیاست‌های «بنیامین نتانیاهو» در سرزمین‌های اشغالی باعث شد یک خودرو حامیان جنگ چند نفر از اعتراض‌کنندگان را زیر بگیرد و زخمی کند.

در مواجهه با دوقطبی صبر استراتژیک و انتقام سخت باید گفت که این موارد نه تنها در برابر هم قرار ندارد بلکه در یک راستا و مکمل هم هستند و پاسخ هوشمندانه و پشیمان‌کننده در این راستا شرط است که ممکن است با صبر استراتژیک و در زمان مناسب و همچنین با پاسخ سخت همراه باشد.

در همین راستا «سید حسن نصرالله»، دبیرکل حزب‌الله لبنان به خوبی اوضاع را تشریح می‌کند و می‌گوید: «امروز، فردا، چند روز یا یک ماه دیگر ایران پاسخ اسرائیل را خواهد داد. ایران عجله نمی‌کند اما مطمئن باشید که پاسخ قطعی است و حتماً اتفاق خواهد افتاد». پاسخ ایران در این راستا قطعاً حساب شده، چندوجهی و با اشراف کامل به تحولات منطقه و تخریب‌کننده پازل صهیونیست‌ها و با نگاه به تقویت محور مقاومت خواهد بود. اینکه چه زمانی این انتقام رخ دهد با توجه به سخنان دبیرکل حزب‌الله لبنان مشخص نیست. شاید فردا و شاید ماه دیگر باشد و عنصر زمان را ایران تعیین می‌کند اما با توجه به وعده مسئولان قطعی است و سخنان مسئولان آمریکا و اسرائیل و گمانه‌زنی‌های رسانه‌های غربی نشان می‌دهد که ارزیابی آنان نیز در همین راستاست و در همین زمان نیز اسرائیل در حالت تدافعی و فشار مضاعف قرار دارد.

برش

از نان شب واجب تر!

برای نقد اظهارات کسی باید تمام سخن او را شنید و حتی چنانکه شیوه برخی پهلوانان (هم در سنت فکر دینی ما و هم در منطق و معرفت‌شناسی مدرن) است اشکالات مدعی را در بیان و صورت‌بندی ادعا اصلاح کرد و سپس به نقد آن پرداخت نه آنکه از قضا دست روی ادعاهای درست او گذاشت. این شیوه برخورد حتی درباره کسانی که معمولاً اظهارنظرشان چندان از شأنیت علمی برخوردار نیست و افراد مشهوری هم نیستند باید رعایت شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف،- ۱ من هم در کنار دیگر علاقمندان فلسفه و علوم اجتماعی همیشه نسبت به طرح عجولانه برخی آراء و ادعاها از سوی اهل خطابه آن هم در سطح عمومی و از تریبون عالی مانند صدا و سیما با دیده تردید و انتقاد نگاه کرده‌ام. ایراد دیگر این نوع طرح آرا این است که معمولاً این فرصت به افراد خاصی داده می‌شود نه همه و این افراد هم علیرغم تمام فضایل احتمالی دیگری که ممکن است داشته باشند چندان متواضعانه طرح بحث نمی‌کنند و فی المثل در ابتدای سخنانشان نمی‌گویند- یا به اندازه کافی تاکید نمی‌کنند- که این نتیجه بررسی من است و ممکن است دیگران به آن انتقاداتی داشته باشند.

تعبیر مهم و درس‌آموزی در سنت اندیشه دینی ما و حتی عرف کلام عامیانه‌مان هست که اقتدا به آن بسیار راهگشاست: «الله اعلم». چه بسیار بزرگان فکری و دینی ما که در میانه شرح و بسط افکار نغز و عمیقشان چه در تفسیر کلام الهی و چه در سایر فعالیت‌های فکری با نوشتن و گفتن صادقانه و متحیرانه همین دو کلمه از عجب علمی و بعضی خواطر احتمالی ناپسند به راحتی جسته‌اند. تازه این تقوا و تواضع علمی در زمینه اندیشه‌های عمیق و دوران‌ساز بزرگان است و حساب برخی تأملات سریع و سطحی از پیش معلوم است.

-۲ با همه این احوال برخی انتقادات شدید به اظهارات اخیر آقای پناهیان در زمینه ویژگی شخصیتی امام علی (ع) - سختگیری در عدالت و تعهد شدید به حقیقت و تنهایی ناگزیر حضرتش به واسطه این ویژگی و « دافعه»ای که این رفتار برای طمع‌ورزان و آلودگان و قدرت‌طلبان ظاهرالصلاح ایجاد می‌کرد- قابل درک نیست.

با مراجعه به فیلم این گفتگو کاملاً معلوم است که گوینده، تعبیر «گوشت تلخ» را از زبان همان متوقعان و زیاده‌خواهان مطرح می‌کند نه اینکه این ویژگی را از زبان خود به آن حضرت اطلاق کند. مگر این حقیقت را که مجری برنامه نیز به درستی در توضیح تعبیر پناهیان به آن اشاره کرد، بارها در فضایل امیر مومنان نشنیده‌ایم که او شهید شدت عدلش شد؟!

حتی اگر پناهیان در این باره توضیح هم نمی‌داد معنا و مراد این بخش از اظهاراتش به اندازه کافی معلوم بود.

در سلسله مباحث سخنران مشهور ما چه امسال و چه در ماه رمضان سال گذشته موارد قابل انتقادی وجود دارد که کمتر کسی به آن معترض شد. شاید به این دلیل که چندان جنجال برانگیز نبوده اند، مانند نسبت دین و اخلاق یا برخورد قرآن با یهودیت، یا نسبت حسادت دادن به نقد یکی از عالمان دینی از رهبر انقلاب. این واقعیت نشان می‌دهد که ترازوی وزن کشی در اغلب نقد و انتقادها چندان دقیق نیست و حتی این احتمال هم هست که برخی بزرگان بدون شنیدن تمام و کمال اظهارات پناهیان و صرفاً از روی عاطفه دینی متعرض بخشی از این سخنان شده باشند.

برای نقد اظهارات کسی باید تمام سخن او را شنید و حتی چنانکه شیوه برخی پهلوانان (هم در سنت فکر دینی ما و هم در منطق و معرفت‌شناسی مدرن) است اشکالات مدعی را در بیان و صورت‌بندی ادعا اصلاح کرد و سپس به نقد آن پرداخت نه آنکه از قضا دست روی ادعاهای درست او گذاشت. این شیوه برخورد حتی درباره کسانی که معمولاً اظهارنظرشان چندان از شأنیت علمی برخوردار نیست و افراد مشهوری هم نیستند باید رعایت شود.

متاسفانه در جامعه ما فرهنگ نقد و روش‌شناسی و منطق در طرح مباحث و تحلیل آن جایی ندارد و نه در مدارس و دانشگاه‌ها و نه در رسانه‌ها چندان به آموزش آن اهتمامی دیده نمی‌شود در حالی که با گسترش حیرت‌انگیز شبکه‌های اجتماعی که هر کدام به منزله یک رسانه نافذ و اثرگذار ظاهر شده‌اند توجه و فرهنگ‌سازی در این زمینه گاه از نان شب هم واجب‌تر است چون «حیات» فکری سالم جامعه به آن وابسته است.

قربونِ دَسِّت، اون شیر آبُ ببند.